

معنی کلمات درس دوم عربی دوازدهم انسانی

أَجْرِي: اجرا کرد (مضارع: يُجْرِي) «لِيُجْرِي: تا اجرا کند»	الشَّعِير: جو
الأَهْل: شایسته	الْفَنَوات: کانال‌ها «مفرد: الْفَناء»
الدَّوُّوب: با پشتکار	الْأَنْحاء: سمت‌ها، سواها «مفرد: النَّحْو»
الطَّن: ثَن «جمع: الْأَطْنان»	تَمَّ: انجام شد، کامل شد (مضارع: يَتِمُّ)
أَصْغَف: ضعیف کرد	الشَّقَّ: شکافتن (شَقَّ، يَشُقُّ)
التَّحْوِيل: دگرگونی	كَسَبَ: به دست آورد
السُّوَيْدُ: سوئد	الْأَنْفَاق: تونل‌ها «مفرد: الْنَفَق»
الْفَرَنْسِيَّة: زبان فرانسوی	جُلِبُ شَعِيرَه: پوست جویی
الإِعْمَار: آباد کردن (أَعْمَرَ، يُعْمِرُ)	الصَّالِحَةُ لِلزَّرَاعَةِ: قابل کشت
التَّطْوِير: بهینه سازی	الْمَجَال: زمینه «جمع: الْمَجالات»
سَهَّل: آسان کرد ≠ صَعَّب	إِنْهَدَمَ: ویران شد
الْفِيزِيَاء: فیزیک	حَدَّدَ: مشخص کرد
أَفَادَ: سود رساند (مضارع: يُفِيدُ)	الصَّبِي: کودک، پسر «جمع: الصَّبِيان»
التَّقْنِيَّة: فناوری (تکنیک)	الْمَنَاجِم: معادن «مفرد: الْمَنَجَم»
السُّهُول: دشت‌ها «مفرد: السَّهْل»	إِهْتَمَّ: اهتمام ورزید (مضارع: يَهْتَمُّ)

خَبِيْهُ الْأَمَلِ : ناامیدی ≠ الرَّجَاء	قَنَاهُ بَمَا : کانال پاناما
صَحَّحَ : تصحیح کرد	أَقْبَلَ عَلَيَّ : به ... روی آورد
نَشَرَ : پخش کرد	الْقِلَالُ : بَنَاهَا «مفرد: الْقَلَّ»

ترجمه صفحه ۲۴ عربی دوازدهم انسانی

أ. صَغِ فِي الْقَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

در جای خالی کلمه مناسب را بر حسب

متن درس بگذار.

۱ - بعد خُتِرَاعِ الدِّينَامِيْتِ، إِزْدَادَتْ ... الْخُرُوبُ ... وَ كَثُرَتْ وَسَائِلُ الْقَتْلِ وَ التَّخْرِيبِ بِهَذِهِ الْمَادَّةِ.
معنی: و بعد از اینکه نوبل دینامیت را اختراع کرد، جنگ ها افزایش یافت و ابزار جنگی و خرابکاری بوسیله این ماده زیاد شد.

۲ - أَقْبَلَ عَلَيَّ شِرَاءِ الدِّينَامِيْتِ رُؤَسَاءُ شَرِكَاتِ الْبِنَاءِ وَ ... الْمَنَاجِمِ ... وَ الْقُوَّاتِ الْمُسَلَّحَةِ.
معنی: سران شرکت های ساختمانی و معادن و نیروهای مسلح به خرید آن روی آوردند.

۳ - تُنَمَّحُ جَائِزَةُ نُوْبِلَ فِي كُلِّ ... سَنَةٍ ... إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ فِي مَجَالَاتٍ مُحَدَّدَةٍ.
معنی: جایزه نوبل هر سال به کسی داده می شود که به بشریت در زمینه های مشخص شده، سود برساند.

۴ - كَانَ ... وَالِدُ ... نُوْبِلَ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا لِصِنَاعَةِ مَادَّةِ «النِّيْتْرُوغْلِيسِرِينِ».
معنی: پدر نوبل کارخانه ای را برای تولید ماده نیتروگلیسرین، بنیاد کرده بود.

۵ - قَامَ الْفِرْدِ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصَانِعِ وَ الْمَعَامِلِ فِي ... عِشْرِينَ ... دَوْلَةً.
معنی: آلفرد اقدام به ساخت ده ها کارخانه و کارگاه در بیست کشور کرد.

۶ - بَنَى نُوْبِلَ مُخْتَبَرًا وَلِكِنَّهُ انْفَجَرَ وَ انْهَدَمَ، وَ تَسَبَّبَ بِقَتْلِ ... أَخِيهِ الْأَصْغَرِ
معنی: نوبل آزمایشگاهی ساخت ولی متأسفانه آزمایشگاه منفجر شد و ویران شد و به کشتن برادر کوچکش منجر شد.

ب. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

ب. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

بر حسب متن درست درست و نادرست را مشخص کن.

۱ - لَمْ يَكُنْ لِاخْتِرَاعِ الدِّينَامِيْتِ تَأْثِيرٌ فِي تَسْهِيلِ الْأَعْمَالِ الصَّعْبَةِ كَحَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقُنُوتِ. نادرست ✗
معنی: اختراع دینامیت در آسان سازی کارهای سخت مانند حفر تونل ها و شکافتن کانال ها تأثیری نداشت.

۲- خَافَ نُوْبِلٌ أَنْ يَذْكُرَهُ النَّاسُ بِالسَّوَاءِ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ لِذَلِكَ فَقَدْ بَنَى مُؤَسَّسَهُ «جَائِزَةَ نُوْبِلٍ». درست ✓
معنی: نوبل ترسید که مردم، پس از مرگش او را به بدی یاد کنند؛ بنابراین سازمان «جایزه نوبل» را بنیان نهاد.

۳- الَّذِينَ حَصَلُوا عَلَى جَوَائِزِ نُوْبِلٍ خِلَالَ السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ كَانُوا كُلُّهُمْ أَهْلًا لِذَلِكَ. نادرست ✗
معنی: کسانی که در خلال سال‌های گذشته جوایزی به دست آوردند همگی شایسته آن بودند.

۴- لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَابْتِكَارٍ فِي التَّقْنِيَةِ وَجْهٌ نَافِعٌ، وَ وَجْهٌ مُضِرٌّ. درست ✓
معنی: اختراع علمی و نوآوری در تکنیک یک رویه سودمند و یک رویه زیان‌رسان دارد.

۵- إِنَّ الْمُخْتَرَعَاتِ الْحَدِيثَةَ سَاعَدَتِ الْبَشَرَ لِتَسْهِيلِ أُمُورِ الْحَيَاةِ. درست ✓
معنی: اختراعات نوین، بشر را برای آسان‌سازی کارهای زندگی کمک کرده است.

۶- كَانَ عَرَضُ نُوْبِلٍ مِنَ اخْتِرَاعِ الدِّينَامِيْتِ إِشَاعَةَ الْخُرُوبِ. نادرست ✗
معنی: هدف نوبل از اختراع دینامیت گسترش جنگ‌ها بود

ترجمه صفحه ۲۶ عربی دوازدهم انسانی

در زبان عربی بسیاری از اوقات قید حالت در انتهای جمله می‌آید؛ مانند:

وَقَفَ الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ فِي الْمَصْنَعِ مُبْتَسِمًا.

مهندس جوان در کارخانه با لبخند ایستاد.

رَأَيْتُ الطِّفْلَتَيْنِ مُبْتَسِمَيْنِ.

من دو دختر بچه را دیدم که لبخند می‌زدند.

هَاتَانِ الْبِنَتَانِ قَامَتَا بِجَوْلِهِ عِلْمِيٍّ فِي الْإِنْتَرْنِتِ مُبْتَسِمَتَيْنِ.

این دو دختر با لبخند اقدام به گردش علمی در اینترنت کردند

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ. عَيْنِ «الْحَالِ» فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ.

عَيْنِ «الْحَالِ» فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ.

حال را در جمله‌های زیر مشخص کن.

۱- وَصَلَ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَ رَكِبَا الطَّائِرَةَ.

معنی: مسافران با تأخیر به فرودگاه رسیدند و سوار هواپیما شدند.

۲- تَجَنَّبَ ذُو الطَّالِبِ هَ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَ تُسَاعِدُ أُمَّهَا.

معنی: دختر دانش‌آموز در انجام تکالیف‌هایش با خشنودی تلاش می‌کند و به مادرش کمک می‌کند.

۳- يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرَحِينَ.

معنی: امروز تماشاگران با خوشحالی تیم برنده‌شان را تشویق می‌کنند.

۴- الطَّالِبَتَانِ تَقْرَأَانِ دُرُوسَهُمَا مُجَدَّتَيْنِ.

معنی: دو دختر دانش‌آموز با جدیت درس‌هایشان را می‌خوانند.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ. تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ «الْحَالَ».

■ تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ «الْحَالَ»

یه‌های ارزشمند زیر را بخوان سپس حال را مشخص کن.

۱ ... -وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا

معنی: و انسان ناتوان آفریده شده است.

۲ ... -وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ

معنی: سست نشوید و انده‌گین نباشید در حالی که شما برترید.

۳ -كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ

معنی: مردم امتی یگانه بودند و خداوند پیامبران را مژده دهنده فرستاد.

۴ -يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

معنی: ای نفس آرام با خشنودی و خدا پسندیدگی به سوی پروردگارت بازگرد.

۵ -إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ

معنی: سرپرست شما تنها خدا و پیامبر و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، کسانی که در حالی که ر رکوع هستند، نماز را بر پای می‌دارند و زکات می‌دهند.

جواب تمرین صفحه ۲۸ عربی دوازدهم انسانی

الْتَّمَارِينَ

♦ تمرین یک_ الاول

■ اِبْحَثْ فِي مُعْجَمِ الدَّرْسِ عَنْ كَلِمَةٍ مُنَاسِبَةٍ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ.

در واژه نامه درس دنبال واژه ای مناسب برای توضیحات زیر بگرد.

۱ -أُسْلُوبٌ أَوْ فَنٌّ فِي إِنْجَازِ عَمَلٍ، أَوْ طَرِيقٌ يَخْتَصُّ بِمِهْنَةٍ، أَوْ عِلْمُ الصِّنَاعَةِ الْحَدِيثَةِ... الْفَنِّيَّةُ...

معنی: شیوه یا هنری در انجام کاری یا راهی که ویژه شغلی است یا دانش صنعت نوین... فناوری...

۲ -مَمَرٌ تَحْتَ الْأَرْضِ أَوْ فِي الْجَبَلِ، طَوْلُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَرْضِهِ، لَهُ مَدْخَلٌ وَ مَخْرَجٌ... النَّفَقُ...

معنی: گذرگاهی زیر زمین یا در کوه که دارازایش از پهنایش است و جای درون آمدن و بیرون رفتن دارد... تونل...

۳ -مِنْطَقَةٌ مُرْتَفِعَةٌ فَوْقَ سَطْحِ الْأَرْضِ، أَصْغَرُ مِنَ الْجَبَلِ... التَّلُّ...

معنی: منطقه‌ای بلند بر فراز سطح زمین که از کوه کوچکتر است... تپه...

۴ -مَكَانُ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ النُّحَاسِ وَ نَحْوِهَا فِي الْأَرْضِ... الْمَنَجَمُ...

معنی: جای طلا، نقره، مس و مانند اینها در زمین... معدن...

۵- الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ... الدَّوْبُوب...

معنی: کسی که برای انجام کارش تلاش می‌کند و احساس خستگی نمی‌کند... سخت کوش...

۶- وَزَنُّ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُوغَرَامٍ... أَلْطُن...

معنی: وزنی که با هزار کیلو برابری می‌کند... تن...

الْتَّمَرَيْنِ الْأَوَّلُ: اِبْحَثْ فِي مُعْجَم الدَّرْسِ عَنْ كَلِمَةٍ مُنَاسِبَةٍ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ.

شیوه یا هنری است در انجام یک کار یا راهی به یک شغل یا دانش صنعت نوین اختصاص دارد

۱- أَسْلُوبٌ أَوْ قَنٌ فِي إِنْجَازِ عَمَلٍ، أَوْ طَرِيقٌ يَخْتَصُّ بِمِهْنَةٍ، أَوْ عِلْمُ الصَّنَاعَةِ الْحَدِيثَةِ. **التَّقْنِيَّةُ: فناوری (تکنیک)**

۲- مَمَرٌ تَحْتَ الْأَرْضِ أَوْ فِي الْجَبَلِ، طَوْلُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَرْضِهِ، لَهُ مَدْخَلٌ وَ مَخْرَجٌ. **النَّفَقُ: تونل**

راهروی در زیر زمین یا کوه طولش بیشتر از عرضش است ورودی و خروجی دارد

۳- مَنطَقَةٌ مَرْتَفِعَةٌ فَوْقَ سَطْحِ الْأَرْضِ، أَصْغَرُ مِنَ الْجَبَلِ. **التَّلّ: تپه**

منطقه‌های بالای سطح زمین که از کوه کوچکتر است

۴- مَكَانُ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ النَّحَاسِ وَ نَحْوِهَا فِي الْأَرْضِ. **الْمَنْجَمُ: معدن**

جای طلا و نقره و مس و مانند این‌ها در زمین است.

۵- الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ. **الدَّوْبُوب: باپشتکار**

کسی که در انجام کارش تلاش می‌کند و احساس خستگی نمی‌کند

۶- وَزَنُّ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُوغَرَامٍ. **الطَّن: تن**

وزنی برابر است با هزار کیلوگرم

♦ تمرین دوم_ الثانی

■ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ؛ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجُمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحُمْرَاءِ؛ وَ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْ ك.

متن زیر را بخوان سپس واژه‌هایی را که زیر آنها خط کشیده شده ترجمه کن و آنچه را از تو خواسته شده مشخص کن

الْخُطْبَةُ الْمِثْنَانِ وَالرَّابِعَةُ وَالْغِشْرُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ
...وَاللَّهُ، لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمُ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاحِهَا عَلَى أَنْ أَعْصَى اللَّهَ فِي نَمْلِهِ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ، مَا فَعَلْتُ. وَ إِنَّ دُنْيَاكُمْ
عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا. مَا لِعَلِيَّ وَ لِنَعِيمِ يَفْنَى وَ لَدِهِ لَا تَبْقَى؟! نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ
وَ بِهِ نَسْتَعِينُ.

معنی: خطبه دویست و بیست و چهارم نهج البلاغه

به خدا، اگر سرزمین‌های هفتگانه با هرچه زیر آسمان‌هایشان هست به من داده می‌شد تا در مورد مورچه‌ای از خدا نافرمانی کنم و پوست جویی را از آن به زور بگیرم، انجام نمی‌دادم؛ و بی گمان دنیایان نزد من از برگی در دهان ملخی که آن را می‌جود، پست‌تر است. علی را چه کار با نعمتی که نابود می‌شود و لذتی که نمی‌ماند؟! از به خواب رفتن خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

جواب تمرین صفحه ۲۹ عربی دوازدهم انسانی

۱- إِغْرَابٌ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ .

نَمْلُهُ: مجرور بحرف جر

جُلْبٌ: مفعول به

الْعُقْلُ: مضافٌ إليه

جَرادُهُ: مضافٌ إليه

٢- نَوْعُ فِعْلٍ «فَعَّلْتُ» وَ صِيغَتُهُ: فَعْلٌ ماضِي، متكلمٌ وحده

٣- نَوْعُ فِعْلٍ «تَقَضَّمُ» وَ صِيغَتُهُ: فَعْلٌ مضارعٌ، مفردٌ مؤنثٌ غائبٌ

٤- جَمْعَيْنِ لِلتَّكْسِيرِ فِي النَّصِّ: أَقَالِيمٍ (إقليم) وَ أَفلاكٍ (فلک)

٥- أَلْفِعْلُ الْمَجْهُولِ فِي النَّصِّ: أُعْطِيَتْ

٦- عَدَدُ الْأَفْعَالِ فِي النَّصِّ: تسعة (تسعه أفعال)

♦ تمرین سوم _ الثالث

■ ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَانِدَةٌ»

در دایره عدد مناسب را بگذار. یک واژه زیادی است.

١- الْقَنَاءُ (کانال) - □ ثَرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالماءِ وَ قَدْ يُسَمَّى بِذَلِكَ وَ إِن زَالَتْ عَنْهُ الرُّطوبَةُ.

معنی: خاکی آمیخته با آب و گاهی به همین نام نامیده می شود گرچه رطوبت از آن زائل شود.

٢- الْفِيزِيَاءُ (فیزیک) - □ شَرِيطٌ يَسْتَعْمَلُهُ رُكَّابُ الطَّائِرَاتِ وَ السَّيَّارَاتِ لِلنَّجَاةِ مِنَ الْخَطَرِ.

معنی: نواری که سرنشینان هواپیماها و خودروها برای رهایی از خطر به کار می برند.

٣- الطَّيْنُ (گل) - □ عِلْمٌ يُبْحَثُ عَنْ خَصَائِصِ الْمَوَادِّ وَ الظُّوَاهِرِ الطَّبِيعِيِّ وَ الطَّاقَةِ.

معنی: دانشی که درباره ویژگی های مواد و پدیده های طبیعی و انرژی جست و جو می کند.

٤- التَّلَالُ (تپه ها) - □ حَشْرَةٌ تَأْكُلُ الْمَحَاصِلَ الزَّرَاعِيَّةَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَقْفِرَ مِتْرًا وَاحِدًا.

معنی: حشره ای که محصولات کشاورزی را می خورد و می تواند که یک متر ببرد.

٥- جَزَامُ الْأَمَانِ (کمر بند ایمنی) - □ نَهْرٌ وَاسِعٌ أَوْ ضَيِّقٌ لِحَرَكَهِ الْمِيَاهِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرٍ.

معنی: رودی پهنوار یا تنگ برای حرکت آبها از جایی به جای دیگر.

٦- الْجَرَادَةُ (ملخ)

- التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعَّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً»
کل خاکی مخلوط شده با آب است و گاهی به آن نامیده می شود اگر چه رطوبت از آن زایل شود
- ۱- الْقَنَاءُ ③ تَرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ، وَقَدْ يُسَمَّى بِذَلِكَ وَإِنْ زَالَتْ عَنْهُ الرُّطُوبَةُ.
لمربند ایمنی نواری است که سر نشینان هواپیما خودروها برای نجات و رهایی از خطر آن را به کار می برند
 - ۲- الْفِيزِيَاءُ ⑤ شَرِيطٌ يَسْتَعْمِلُهُ رُكَّابُ الطَّائِرَاتِ وَ السَّيَّارَاتِ لِلنَّجَاةِ مِنَ الْخَطَرِ.
فیزیک علمی است که درباره ویژگی های مواد و پدیده های طبیعی و انرژی جستجو می کند
 - ۳- الطِّينُ ④ عِلْمٌ يَتَحَقَّقُ عَنْ خَصَائِصِ الْمَوَادِّ وَ الظَّوَاهِرِ الطَّبِيعِيَّةِ وَ الطَّاقَةِ.
مِلخ حشره ای که محصولات کشاورزی را می خورد و می تواند یک متر ببرد
 - ۴- الثَّلَالُ ⑥ حَشْرَةٌ تَأْكُلُ الْمَحَاصِلَ الزَّرَاعِيَّةَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَقْفِرَ مِثْرًا وَاحِدًا.
تپه ها: اضافی
 - ۵- حِزَامُ الْأَمَانِ ① تَهْرٌ وَاسِعٌ أَوْ صَبَقٌ ٢ لِحَرَكَةِ الْمِيَاهِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ. آخر: اسم تفضیل
کانال رودخانه ای پهناور یا تنگه ای است برای حرکت دادن آب از مکانی به مکان دیگر است .
 - ۶- الْجَرَادَةُ

جواب تمرین صفحه ۳۰ و ۳۱ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین چهارم_ الرابع

□ لِلتَّرْجَمَةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ... ؟)

برای ترجمه؛ آیا می دانی که...

- ۱- هَلْ تَعْلَمُ أَنْ تَلْفُظَ «گ» وَ «ج» وَ «ژ» مَوْجُودٌ فِي اللَّهْجَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الدَّارِجَةِ كَثِيرًا ؟
معنی: آیا میدانی که تلفظ «گ»، «ج»، «پ» و «ژ» در لهجه های عامیانه عربی وجود دارد؟
- ۲- هَلْ تَعْلَمُ أَنْ الْمَغُولَ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصِّينِ عَلَى رَغْمِ بِنَاءِ سُورٍ عَظِيمٍ حَوْلِهَا؟
معنی: آیا می دانی که مغول ها با وجود ساختن دیوار بزرگی دور چین توانستند به آن حمله کنند؟!
- ۳- هَلْ تَعْلَمُ أَنْ الْحَوْتَ يُصَادُّ لاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ؟
معنی: آیا می دانی که نهنگ برای در آوردن روغن از جگرش برای ساختن مواد آرایشی صید می شود؟!
- ۴- هَلْ تَعْلَمُ أَنْ الْخُقَاشَ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ؟
معنی: آیا می دانی که خفاش تنها جاندار پستانداری است که می تواند پرواز کند؟!
- ۵- هَلْ تَعْلَمُ أَنْ عَدَدَ النَّمْلِ فِي الْعَالَمِ يَفُوقُ عَدَدَ الْبَشَرِ بِمِلْيُونِ مَرَّةٍ تَقْرِيبًا؟
معنی: آیا می دانی که شمار (تعداد) مورچگان در جهان نزدیک به (تقریباً) یک میلیون بار بیشتر از شمار آدمیان است؟!
- ۶- هَلْ تَعْلَمُ أَنْ طَيْسِفُونَ قُرْبَ بَغْدَادِ كَانَتْ عَاصِمَةَ السَّاسَانِيِّينَ؟
معنی: آیا می دانی که تیسفون، واقع در نزدیکی بغداد پایتخت ساسانیان بود؟!
- ۷- هَلْ تَعْلَمُ أَنْ حَجَمَ دُبِّ الْبَانْدَا عِنْدَ الْوِلَادَةِ أَصْغَرُ مِنَ الْفَأْرِ؟
معنی: آیا می دانی که اندازه خرس پاندا هنگام زاده شدن کوچکتر از موش است؟!

۸- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الزَّرَافَةَ بِحَمَاءٍ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ؟

معنی: آیا می‌دانی که زرافه لال است و تارهای صوتی ندارد؟!

۹- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ وَرَقَةَ الزَّيْتُونِ رَمَزُ السَّلَامِ؟

معنی: آیا می‌دانی که برگ زیتون نماد صلح است؟!

جواب تمرین صفحه ۳۱ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین پنجم _ الخامس

📖 عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْإِعْرَابِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

تحلیل صرفی و محل اعرابی آنچه را با خط به آن اشاره شده است مشخص کن.

۱-	الْعَمَالُ	أ. إِسْمٌ، جَمْعُ تَكْسِيرٍ، إِسْمٌ فَاعِلٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، مُعَرَّبٌ ب. إِسْمٌ مُبَالِغَةٌ، جَمْعٌ مَكْسَرٌ وَ مُفْرَدُهُ «الْعَامِلُ»	مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ ✓ فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ
۲-	الْمُجْتَهِدُونَ	أ. إِسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ سَالِمٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ب. إِسْمٌ مَفْعُولٌ، مُثَنًى، مُذَكَّرٌ، نَكِرَةٌ، مَبْنِيٌّ	صِفَةٌ وَ مَرْفُوعَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا ✓ مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ بِـ «و» فِي «وَن»
۳-	يَسْتَعْلُونَ	أ. فِعْلٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ افْتِعَالٍ، مَعْلُومٌ، لَازِمٌ ✓ ب. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، مَجْهُولٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَعَدٌّ	فَاعِلٌ
۴-	الْمَضْنَعُ	أ. إِسْمٌ مَفْعُولٌ، مُفْرَدٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ب. إِسْمٌ مَكَانٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْمَضْنَعِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) ✓
۱-	نَجَحَتْ	أ. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ افْعَالٍ، مَجْهُولٌ ب. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مَعْلُومٌ، لَازِمٌ ✓	
۲-	الطَّالِبَاتُ	أ. مُضَدَّرٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ سَالِمٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ب. إِسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعٌ مُؤَنَّثٌ سَالِمٌ، مَعْرِفَةٌ	مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ ✓
۳-	الْإِمْتِحَانُ	أ. مُضَدَّرٌ مِنْ بَابِ افْتِعَالٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ب. إِسْمٌ تَفْضِيلٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ بِالْعَلَمِيَّةِ ۲	مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْإِمْتِحَانِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) ✓ صِفَةٌ وَ مَجْرُورَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا

جواب تمرین صفحه ۳۳ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین ششم _ السادس

📖 اَللِّتَرْجَمَهُ.

برای ترجمه

۱- كَتَبَ: نوشت

قَدْ كَتَبَ التَّمْرِينُ: تمرین نوشته شده است.

لَمْ لَا تَكْثِبِينَ دَرْسَكِ؟ چرا درست را نمی‌نویسی؟
لَمْ تَكْثِبِي شَيْئاً: چیزی ننوشتی.

۲- تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد
الصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.
أَيُّهَا الصَّدِيقَانِ، تَكَاتَبَا: ای دو دوست نامه‌نگاری کنید.
تَكَاتَبَ الزَّمِيلَانِ: دو همکار با یکدیگر نامه نگاری کردند.

۳- مَنَعَ: بازداشت، منع کرد
مَنْعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم.
لَا تَمْنَعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ: ما را از خرج منع نکن
شاهدنا مانعاً بالطريق: مانعی را در راه دیدیم.

۴- اِمْتَنَعَ: خودداری کرد
كَانَ الْحَارِسُ قَدْ اِمْتَنَعَ عَنِ النَّوْمِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.
لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْمُطَالَعَةِ: از مطالعه خودداری نکنید.
لَنْ نَمْتَنَعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از خارج شدن خودداری نخواهیم کرد.

جواب تمرین صفحه ۳۴ عربی دوازدهم انسانی

۵- عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد
لَمْ مَا عَمِلْتُمْ بِوَأَجِبَاتِكُمْ؟ چرا به تکالیفتان عمل نکردید.
أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می‌کنید.
الْعَمَالُ مَشْغُولُونَ بِالْعَمَلِ: کارگران مشغول کار هستند.

۶- عَامَلَ: رفتار کرد
إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ: خدایا؛ با بخششت با ما رفتار کن.
إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ: خدایا؛ با عدلت با ما رفتار نکن.
كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا: با ما خوب رفتار می‌کردند.

۷- ذَكَرَ: یاد کرد
قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است.
ذُكِرَتْ بِالْخَيْرِ: به نیکی یاد شدی.
قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقُدَمَاةَ: گاهی استاد از دانش آموزان قبش یاد می‌کند.

۸- تَذَكَّرَ: به یاد آورد
جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: پدر بزرگ و مادر بزرگم مرا یاد می‌کنند.
سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدَرِّسُ: معلم، ما را به یاد خواهد آورد.
لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: ای همکارم؛ تو را به یاد نمی‌آوردم.

جواب تمرین صفحه ۳۵ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین هفتم_ السَّابِعُ

عَيْنِ «الْحَالِ» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

در عبارت‌های زیر حال را مشخص کنید.

۱- مَنْ عَاشَ بِوَجْهِينَ، مَاتَ خَاسِرًا.

معنی: هر کس با دورویی زندگی کند زیانکار می‌میرد.

قید حالت: خاسراً

۲- أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا.

معنی: نیرومندترین مردم کسی است که در حال اقتدار از دشمنش درگذرد.

قید حالت: مُقْتَدِرًا

۳- عِنْدَ وَقْعِ الْمَصَائِبِ تَذْهَبُ الْعَدَاوَةُ سَرِيعَةً.

معنی: هنگام وقوع مصیبت‌ها، دشمنی به سرعت از بین می‌رود.

قید حالت: سَرِيعَةً

۴- مَنْ أَذْنَبَ وَهُوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ يَبْكِي.

معنی: هرکس گناه کند در حالی که می‌خندد، به جهنم وارد می‌شود در حالی که گریه می‌کند.

قید حالت: وَهُوَ يَبْكِي

۵- يَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَ إِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ.

معنی: نیکوکار زنده می‌ماند اگرچه به منزل‌های مردگان منتقل شده باشد.

قید حالت: حَيًّا

۶- إِذَا طَلَبْتَ أَنْ تَنْجَحَ فِي عَمَلِكَ فَقُمْ بِهِ وَحِيدًا وَ لَا تَتَوَكَّلْ عَلَى النَّاسِ.

معنی: هرگاه خواستی در کارت موفق شوی پس تنهایی به آن اقدام کن و به مردم توکل نکن.

قید حالت: وَحِيدًا

جواب تمرین صفحه ۳۶ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین هشتم _ الثَّامِنُ

ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْمُفْرَدِ وَ جَمْعِهِ.

درست را در مفرد و جمعش مشخص کن

۱- مَصْنَعٌ، صِنَاعَاتُ ❌

مصنع: کارخانه - صناعات: ج صناعه: صنایع

۲- طَعَامٌ، مَطَاعِمُ ❌

طعام: غذا - مطاعم: ج مطعم: رستوران‌ها

۳- ظَاهِرَةٌ، مَظَاهِرُ ❌

ظاهره: پدیده - مظاهر: ج مظهر: نماد

۴- صَبِيّ، صَبِيَان ☒

صَبِيَان: ج صَبِيّ: کودک‌ها

۵- عَظْم، أَعْظَم ☒

عَظْم: استخوان – أَعْظَم: ج أَعْظَم: بزرگترین

۶- مَمْلَكَة، مُلُوك ☒

مَمْلَكَة: کشور – مُلُوك: ج مُلُوك: پادشاهان

۷- رَئِيس، رُؤُوس ☒

رَئِيس: رئیس – رُؤُوس: ج رَأْس: سران

۸- قَنَاه، قَنَوَات ☒

قَنَوَات: ج قَنَاه: کانال‌ها

۹- عَمَل، عُمَال ☒

عُمَال: ج عَمَل: کارگران

۱۰- حَبْل، أَحْبَال ☒

أَحْبَال: ج حَبْل: طناب‌ها

۱۱- طَرِيق، طُرُق ☒

طَرِق: ج طَرِيق: راه‌ها

۱۲- مَنجَم، أَنجَم ☒

مَنجَم: ج مَنَاجِم: معدن‌ها- أَنجَم: ج نَجْم: ستارگان

۱۳- جَرَم، جَرَايِم ☒

أَجْرَام: ج جَرَم: پیکرها

۱۴- أَدَاه، أَدَوَات ☒

أَدَوَات: ج أَدَاه: ابزارها

۱۵- سَهْل، سُهُول ☒

سُهُول: ج سَهْل: دشت‌ها

۱۶- عَمَل، أَعْلَام ☒

عَمَل: کار – أَعْلَام: ج عِلْم: درفش‌ها

۱۷- نَفَق، أَنْفَاق ☒

أَنْفَاق: ج نَفَق: تونل‌ها

۱۸- لَحْم، لُحُوم ☒

لُحُوم: ج لَحْم: گوشت‌ها

✓ ۱۹- نَحْو، اُنْحَاء

اُنْحَاء: ج نَحْو: سوها، روش‌ها

✓ ۲۰- تَلَّ، تِلَال

تِلَال: ج تَلَّ: تپه‌ها